

## تحلیلی بر شبکه و نظام سلسله مراتب شهری استان خوزستان

رحیم سرور<sup>۱</sup>، محمد امین جرفی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی و استاد گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

### چکیده

بررسی سلسله مراتب شهری موثرترین راه شناخت سازمان‌یابی سیستم شهرهاست. در این ارتباط کوشش جهت یافتن اندازه بهینه شهر و ارتباط آن با نظام شهری اهمیت زیادی دارد. در استان خوزستان شهرنشینی رشد فزاینده‌ای داشته همچنین تعداد شهرها و جمعیت شهری آن سرعت بی‌سابقه‌ای داشته است. بر اساس مطالعات دوره جدید شهرنشینی در استان خوزستان نسبت به دوره قبل تر مهم‌ترین رویداد در امر شهرنشینی استان خارج شدن دو شهر آبادان و خرمشهر از شبکه شهریست که این امر وضعیت شهرنشینی را در کل استان تحت‌الشعاع خود قرار داده است و اهواز مرکز استان، با وجود جنگ، رشد جمعیت شهرنشین با شدت بیشتری نسبت به گذشته همچنان ادامه دارد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سلسله مراتب و توزیع فضایی شهری در استان خوزستان با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است. همچنین پژوهش حاضر دارای رویکرد توسعه‌ای - کاربردی و از نرم‌افزایی از جمله ArcGIS و Grafer جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نموده است، که نتایج تحقیق نشان داده است در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۶۱ شهر استان ۳۰ شهر دارای جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر و نشان دهنده افزایش شدید شهرهای بسیار کوچک در استان است. این موضوع بیانگر اینست که سلسله مراتب شهری در استان خوزستان ناموزون و جهت عدم تعادل را به خود گرفته است، با بررسی و مطالعات صورت گرفته در سال ۱۳۹۰ در استان خوزستان میزان نخست شهری برابر ۳۰۲۹ درصد می باشد.

**کلید واژه‌ها:** سلسله مراتب، نخست شهری، تکنیک برنامه‌ریزی، استان خوزستان

### مقدمه

شهرها نظام‌هایی پویا و حاصل تعامل انسان و محیط طبیعی در طی روزگاران هستند و برای حفظ و تکامل و توسعه نیاز به تعادل دارند. هر گونه عدم تعادل در نظام‌های درون شهر (فضاها و بافت شهری) و نظام‌های بیرون شهر (عرصه‌های نزدیک و دور پیراشهری و منطقه‌ای) موجب بی‌ثباتی و ناپایداری آن می‌شود (منزوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). لذا با گذشت زمان، در بسیاری از کشورهای جهان، رویکرد سلسله مراتب در برنامه‌ریزی از جمله مقیاس

منطقه‌ای به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفت در این راستا توسعه که درجه‌ای از تحول است جامعه را برای نیل به آرمان‌ها و اهداف خود هدایت می‌کند. به بیان سازمان ملل، توسعه فرایندی است که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی اقتصادی و فرهنگی هر منطقه متحد کرده و مردم این مناطق را در زندگی یک ملت ترکیب نموده و آنها را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می‌سازد (نصیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

در نیمه دوم قرن بیستم، مهم‌ترین چالش علمی و اجتماعی در خصوص برنامه ریزی جمعیت، رشد سریع و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری به خصوص در کشورهای جهان سوم بود نخست، غرب این پدیده را برجسته کرد و آن را نوعی ناهنجاری منجر به عدم تعادل و بی عدالتی در توزیع فرصت‌ها و ناکارآمدی نظام فرآیند نامید (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۳).

امروزه، جمعیت مردمی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، از تمام ادوار تاریخ انسان بیشتر است. روند شهرنشینی بازگشت ناپذیر است. تخمین زده شده است که جمعیت شهری دنیا تا سال ۲۰۵۰ دوبرابر شده و به بیش از ۵ میلیارد خواهد رسید، که بیش از ۹۰ درصد این رشد در کشورهای درحال توسعه خواهد بود (UN-HA- BITAT, 2003, Torres, 2015: 89). بر اساس تخمین‌های سازمان ملل، ۶۰ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۳۰ در شهرها زندگی خواهند کرد که باعث تغییرات گسترده در سبک زندگی، کاربری زمین، تقاضا برای انرژی و اما، اینها فقط عدد هستند؛ شهرها به عنوان موتورهای رشد و توسعه اجتماعی دارای پتانسیلی باورنکردنی هستند که بی شک باید مورد توجه قرار گیرند (Ascione at all, 2009: 238).

در قرن بیست و یکم، کلانشهرها بزرگ‌ترین نقش را در شکل دهی اقتصاد جهانی بازی می‌کنند (رضویان، ۱۳۸۱: ۱۹۵). در واقع در این قرن، جهان همچنان شاهد رشد فزاینده جمعیت است. بخش عظیمی از این جمعیت در شهرها ساکن شده‌اند و شکل گسترده‌ای از شهرها به نام کلان شهرها را خلق کرده‌اند (نصیری، ۱۳۸۷: ۲۴۴). در ادبیات جغرافیایی، از این وضع به عنوان نخست شهری یاد می‌شود. دراکاکیس اسمیت نخست شهر را تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک شهر بر تمامی شهرهای دیگر در داخل یک نظام شهری می‌داند (Smith, 2000: 52). در این وضعیت، شهر اول نسبت به شهرهای دیگر برتری و تسلط خاصی پیدا می‌کند و موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و نهادهای اجتماعی و سیاسی در آن شهر می‌شود (تقوایی و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۶).

دگرگونی‌های صورت گرفته در ایران به مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سبب ظهور نابرابری‌های شدید منطقه‌ای و سکونتگاهی در پهنه سرزمین گردیده است. این نابرابری‌ها از زمان حکومت رضاخان تا اوایل دهه ۱۳۴۰ اندک بود، پس از آن، با انجام اصلاحات ارضی، افزایش درآمدهای نفتی، جذب سرمایه‌گذاری در شهرها، احداث صنایع مونتاژ و غیره تشدید گردید. تمرکز بیشتر سرمایه‌گذاری‌های دولت در محدودی از شهرها و مناطق کشور به عنوان کانون‌های رشد و توسعه، سبب افزایش فاصله این مناطق با دیگر مناطق از یک سو و مهاجرت‌های وسیع به سوی شهرهای بزرگ، بحران‌های زمین و مسکن، بیکاری، بروز ناهنجاری‌ها، آلودگی‌ها و ایجاد فواصل طبقاتی از سوی دیگر شده است. برنامه‌ها و طرح‌های بسیاری در جهت رفع این وضعیت تهیه و به اجرا درآمدند که اکثر آنها ناموفق و به نتیجه مورد نظر نرسیدند. یکی از دلایل اصلی این ناکامی‌ها، توجه به مسائل شهری به گونه مجزا از مناطق پیرامونش و بررسی هر یک به مشکل منفرد بود. تجربه چندین دهه برنامه‌ریزی برای شهرها، این

واقعیت را آشکار ساخت که شهر باید به صورت یک کل (سیستم) با مناطق زیر نفوذ (حوزه نفوذ) مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

به طور کلی مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که اغلب کشورهای در حال توسعه از روند توسعه فضایی سکونتگاه‌ها و نحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی خود ناراضی هستند (Mathur, 1997: 65). به ویژه تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیت در بزرگ‌ترین شهر این کشورها (نخست شهرها)، نه تنها باعث جذب بخش عمده‌ای از پتانسیل‌های توسعه‌ای این کشورها به این شهرها شده است. بلکه خود این نخست شهرها با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند (Sawers, 1998: 841). به طوریکه متوسط شاخص نخست شهری (شاخص دو شهر) برای کل کشور های جهان حدود ۵.۲ می‌باشد (Pumain, 2003: 7). بدین ترتیب نخست شهرهای موجود در نظام شهری این کشورها، کانون‌های تمرکز ملی بوده و بر نظام شهری این کشورها مسلط هستند. در نتیجه رشد شهری یک فرایند پیچیده است که شامل جنبه‌های مکانی، زمانی، اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی است (Bhandari, 2010: 47).

در استان خوزستان بر اساس رودند شهرنشینی در سال ۱۳۳۵، آبادان اولین شهر استان ۳۶/۷ درصد و اهواز شهر دومین شهر استان ۱۹/۵ درصد از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده و سهم این دو شهر از جمعیت شهری استان در این سال ۵۶/۳ درصد بوده است. این وضعیت تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در این دو شهر را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۴۵، شهر اول استان، آبادان، با تکیه بر جذب سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با صنعت نفت و رشد اقتصادی حاصل از آن، همچنان برتری نه چندان قاطع خود را به شهر دوم استان، اهواز، حفظ کرده است. جمعیت شهرهای اهواز، دزفول و مسجدسلیمان بیشتر از جمعیت مطلوب بر مبنای مدل‌های استفاده شده داشته است. این مازاد جمعیت برای شهر دوم یعنی اهواز نزدیک به ۷۰ هزار نفر می‌باشد. در این سال، بر مهاجرت‌ها به شهر اهواز شدیداً افزوده می‌شود و جمعیت این شهر نسبت به دوره قبلی ۷۲٪ رشد کرده و به بالای ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد.

لذا در این دوره جدید نسبت به قبل مهم‌ترین رویداد در امر شهرنشینی در استان خوزستان خارج شدن دو شهر آبادان و خرمشهر از شبکه شهری در سال ۶۵ بر اثر جنگ هشت‌ساله ایران و عراق است. این امر وضعیت شهرنشینی را در کل استان تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و تأثیرات بسیاری را بر دیگر شهرها و سلسله مراتب شهری استان بر جای می‌گذارد. بر این اساس چگونگی توزیع فضایی نظام شهری در نمونه موردی استان خوزستان چالشی است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد. به منظور دستیابی به این هدف، ابتدا به سوالات، روش و پیشینه مربوط به آن پرداخته می‌شود، سپس به منظور تعیین میزان تعادل و یا عدم تعادل در نظام شهری از شاخص چهار شهر مهتا، ضریب آنتروپی، دوشهر و مدل حد اختلاف طبقه‌ای استفاده می‌گردد.

## اهداف و سؤالات تحقیق

### ➤ هدف

هدف اصلی در پژوهش حاضر مطالعه وضعیت توزیع فضایی شهر و سلسله مراتب آن و همچنین روش‌های مطالعه و بررسی در استان خوزستان می‌باشد. که جهت رسیدن به هدف مذکور سوالی مطرح گردیده که راهنمای پژوهش باشد.

### ➤ سوال

(۱) چگونه می‌توان روند سلسله مراتب شهری در استان خوزستان را بر اساس روش‌های آماری مطالعه و تغییرات آن طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰ را بررسی نمود؟

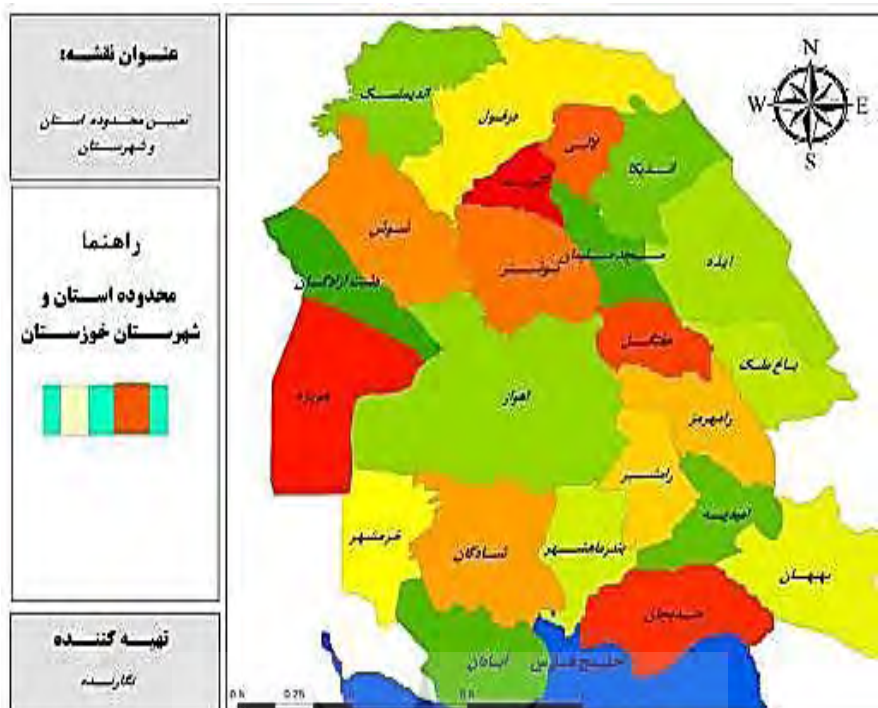
### روش تحقیق

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، راه رسیدن به هدف که همانا ارزیابی سلسله مراتب شهری استان خوزستان می‌باشد از روش مطالعات کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. با رجوع به مرکز آمار ایران، سایت استانداری استان خوزستان و دیگر سازمان‌های مربوطه، آمارهای مورد نیاز استخراج گردیده است. همچنین جهت ترسیم نقشه‌ها از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده گردیده است. جهت تحلیل و بررسی نظام شبکه شهری از روش‌های شاخص نخست شهری (Urban Primacy Index)، شاخص گینزبرگ یا چهار شهر (Four City Index)، شاخص چهار شهر مهتا (Mahta Four City Index)، ضریب آنتروپی (Entropy Index)، و مدل حد اختلاف طبقه‌ای جهت بررسی موضوع استفاده گردیده است.

### شناخت محدوده مورد مطالعه

استان خوزستان بین ۴۷ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی قرار گرفته و مساحتی حدود ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع و ۳/۹ درصد از مساحت کشور را دارا می‌باشد. این استان از سلسله کوه‌های زاگرس شروع و پس از جای دادن اراضی وسیع جلگه‌ای در خود به آب‌های خلیج فارس می‌پیوندد (معاونت آمار و انفورماتیک، ۱۳۸۰: ۴). از غرب با کشور عراق هم‌مرز، و در همسایگی استان‌های بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، لرستان و ایلام قرار دارد (مداری، ۱۳۸۸: ۳). خوزستان به لحاظ دارا بودن خاک حاصلخیز و اراضی کشاورزی، منابع غنی نفت و گاز، استقرار صنایع سنگین و با دارا بودن ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق از مناطق استراتژیک کشور محسوب می‌گردد.

بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی کشوری، در سال ۱۳۹۰، استان خوزستان دارای ۲۴ شهرستان بوده است که شهرستان دزفول با ۷ شهر بیشترین تعداد شهر و شهرستان‌های اندیکا، رامهرمز، لالی، مسجد سلیمان و هفتکل کمترین تعداد شهر را دارا بوده‌اند.



شکل (۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه

### پیشینه پژوهش

در ایران در نیم قرن اخیر توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصادی متکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی و رشد سریع شهرها گردید. این رشد سریع شهرنشینی به صورت متعادل صورت نگرفت، بلکه سبب رشد شهرهای بزرگ و مانع رشد شهرهای کوچک و روستاها گردید. نتیجه این فرایند منجر به عدم تعادل در توزیع فضایی و سلسله مراتب ناحیه‌ای شد. این گسیختگی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری سبب پیدایش شبکه زنجیره‌ای در توزیع فضایی کشور و از بین رفتن شبکه کهن‌کشان‌گرایی گردید (نظریان، ۱۳۸۵: ۱۵۱). البته در بحث سلسله مراتب شهری و مدل‌های کمی در شبکه شهری مقالات و کتب زیادی ارائه و در استان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد.

بنابراین سطح‌بندی مناطق و تعیین مراکز عملکردی در سطح ملی، روشی برای سلسله مراتبی کردن ارائه خدمات و مشخص کردن مراکز در سطح ملی می‌باشد. که توان ارائه خدمات بهینه به مناطق همجوار را داشته باشند و نیز بتوانند به نحو مطلوبی به خدمات دسترسی داشته باشند (ضرابی و پریزادی، ۱۳۹۰: ۸۲).

- آنامرادنژاد (۱۳۹۳)، در تحقیق در خصوص سلسله مراتب شهری استان کردستان در نتایج خود بیان داشته است توزیع جمعیت در شهرهای استان به سمت تعادل منطقه‌ای گرایش پیدا کرده است. و همچنین بکارگیری شاخص چهارشهر نشان داده است که در استان پدیده نخست شهری از الگوی متعادلی پیروی می‌کند و نقش خردکننده ای روی شهرهای دیگر ندارد.

- لطفی و باباخزاده (۱۳۹۱)، در تحقیقی در خصوص سلسله مراتب شهر استان کرمانشاه به این نتیجه رسیده اند که شهر کرمانشاه به عنوان اولین شهر در این سلسله مراتب از شهر دوم یعنی اسلام آباد غرب تقریباً ۹/۵ برابر بزرگتر می باشد. و این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۸/۸ برابر رسیده است. شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب که در سرشماری سال ۱۳۵۵ در رده‌های سوم و پنجم قرار داشته بودند در سرشماری سال ۱۳۶۵ به دلیل جنگ تحمیلی خالی از سکنه بوده‌اند. در مجموع سلسله مراتب شهری در استان کرمانشاه دارای ساختاری کاملاً نامتعادل است و شهر کرمانشاه به عنوان نخستین شهر در شبکه شهری استان خود نمایی می‌کند (لطفی و باباخزاده، ۱۳۹۱: ۴۰).
- رخشانی نسب و بیک محمدی (۱۳۸۶)، نابرای در نظام سلسله مراتب شهری استان سیستان و بلوچستان را ارزیابی نموده و اثبات می‌نمایند که اختلاف بسیار زیاد شهرهای استان با نخست شهر منطقه و افزایش شهرهای کوچک از دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ موجب عدم تعادل و فاصله‌گیری شهرها از حد تعادل شده است.
- رضایی (۱۳۸۳)، عدم توازن در سلسله مراتب شهری استان فارس را بررسی نموده و برای تعادل بخشی به شبکه شهری این استان، تقویت قطب‌های رشد را پیشنهاد می‌نماید.
- تقوایی (۱۳۷۹)، نظام شبکه شهری کشور را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ بررسی نموده و یافته‌های وی نشان می‌دهد که طی سال‌های یاد شده، نظام شبکه شهری ایران نامتعادل بوده و به سمت تعادل نیز هدایت نشده است. وی برای متعادل‌سازی شبکه شهری در ایران، بهره‌گیری از روش‌هایی همچون استراتژی عدم تمرکز، مدیریت کارساز مادر شهرها، توسعه و گسترش شهرهای متوسط، کوچک و روستا- شهرها را موثر می‌داند.
- سرور (۱۳۷۲)، چگونگی استقرار مراکز شهری و نقاط شهری را در سواحل جنوب ایران بررسی نموده و معتقد است که علیرغم تبعیت نظام سلسله مراتب شهری منطقه از قانون مرتبه- اندازه، توزیع جمعیت و پخش شهرها در سطح منطقه مورد مطالعه نامتعادل است.
- نظریان (۱۳۷۳)، نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران را مطالعه نموده و تفاوت شدید ناحیه‌ای، توزیع نامتعادل شهرها و مکان‌گزینی آنها را که در ارتباط تنگاتنگ با شرایط زیست محیطی، سوابق تاریخی و به دنبال آن تقسیمات سیاسی و توسعه اقتصادی است، مبنای اصلی عدم تعادل در نظام شهری ایران میداند.
- والتر کریستالر<sup>۱</sup> (۱۹۳۳) در تدوین تئوری مکان مرکزی، از طرح توزیع فضایی سکونتگاه‌های جنوب آلمان الگوبرداری نمود و آنها را در چارچوب تئوریک خود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اساس نظریه وی بر این مبنا است که توزیع مکان مرکزی در فضای ناحیه‌ای به گونه‌ای است که هر مکان مرکزی در مرتبه خاص خود کالاها و خدمات مکان مرکزی فرودست خود را عرضه می‌دارد. در واقع مدل اصلی کریستالر متکی به اصل بازاریابی است که نتیجه آن پدید آمدن روابط متقابل سلسله مراتب بین مکان‌های مرکزی است (عظیمی، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۰).

<sup>1</sup> W.Christaller.

- جمیز وانز<sup>۱</sup> جغرافیدان دانشگاه برکلی، با دیدگاه جغرافیای تاریخی موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد و از طریق دنبال کردن راه پریچ و خم تحول سکونت‌گاه‌ها نتیجه‌گیری می‌کند که رشد سلسله مراتب سکونت، گاهی از بالا به پایین عمل می‌کند (خادم‌الحسینی و عباسی، ۱۳۹۱: ۳۵).
- جفرسون<sup>۲</sup> جغرافیدان آمریکایی در سال ۱۹۳۹، قانون نخست شهر را ارائه نمود. هدف جفرسون آن بود که نقش مرکزی و مهم شهرهای بزرگ هر کشور را در توسعه فرهنگ‌های ملی موجود در آن کشور توجیه نماید. براساس این قانون نخست شهر در هر کشور همیشه به صورت یک شهر مستقل و بزرگ مورد توجه بوده و استثناً بیان‌کننده توانایی و احساس ملی آن کشور می‌باشد. شکل‌گیری سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و گسترش آنها را تابعی از میزان تقاضا برای کارکردهای تخصصی مراکز و همچنین تکنولوژی حمل و نقل می‌باشد (شکویی، ۱۳۹۱: ۴۸۶-۴۸۵).

در مقاله حاضر منظور از سلسله مراتب شهری تعیین جایگاه شهرها در استان خوزستان بر اساس معیار جمعیتی، تفاوت‌های جمعیتی، توزیع رتبه و اندازه، تعادل یا عدم تعادل جمعیتی شهر در نظام و طبقات جمعیتی شهرهای استان می‌باشد؛ که در راستای این هدف روش و مدل‌های آماری مورد نیاز استفاده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

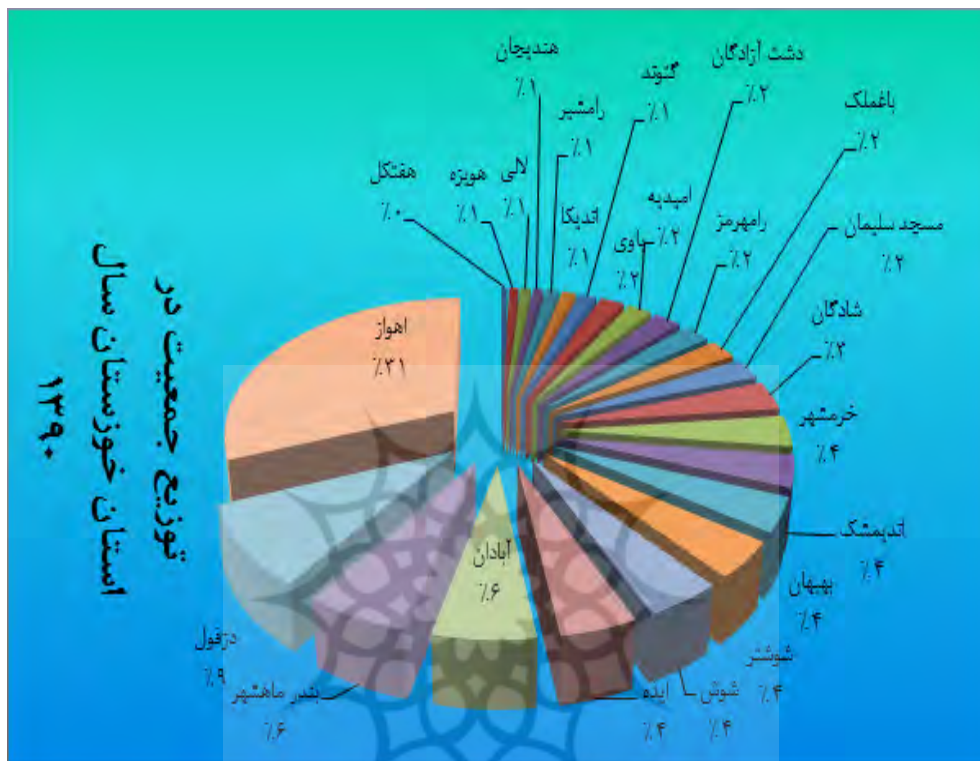
در تحلیل وضعیت نخست شهری و تعیین سلسله مراتب آن در استان خوزستان باید دو موضوع مورد توجه قرارگیرد: یکی نقطه ضعف این شاخص‌هاست و دیگری تأثیر جنگ بر شبکه شهری استان خوزستان. نقطه ضعف عمده این شاخص‌ها این است که همه این شاخص‌ها (به غیر از شاخص نخست شهری) نسبت شهر اول را به چند شهر عمده یک منطقه اندازه می‌گیرند. بنابراین، با این روش‌ها نمی‌توان به خوبی میزان نخست شهری را نشان داد؛ به‌خصوص در مورد استان خوزستان که طی سال‌های ۳۵ تا ۵۵، چند شهر اول استان از نظر جمعیتی فاصله نزدیکی به هم دارند. بنابراین، طبیعی است که در چنین وضعیتی این شاخص‌ها نتوانند نخست شهری را نشان دهند، زیرا ممکن است در یک نظام شهری، شهر اول نسبت به شهر دوم تا چهارم خود حاکمیت نداشته باشد، ولی نسبت به شهرهای دیگر دارای نخست شهری باشد. این موضوع به خصوص تا سال ۱۳۵۵ به خوبی مشهود است. بنابراین در پژوهش حاضر جهت کاستن هرچه بیشتر این نقش در ابتدا وضعیت کلی جمعیت منطقه را مورد تحلیل قرار داده و آنرا نیز نسبت به دیگر ابعاد جمعیت مورد مطالعه قرار داده است.

عامل دوم، تأثیر جنگ عراق علیه ایران بر شبکه شهری استان خوزستان در دهه ۶۰ و بعد از آن می‌باشد، به گونه‌ای که بر اثر جنگ، دو شهر آبادان و خرمشهر که دومین و سومین شهرهای استان و از بزرگ‌ترین شهرهای کشور بودند، خالی از جمعیت شده و کاملاً از شبکه شهری خارج شدند و حتی با وجود بازگشت سکنه این دو شهر

<sup>1</sup> James Vanz.

<sup>2</sup> Mark Jesserson

و جمعیت‌یابی مجدد این شهرها بعد از جنگ، تا سال ۱۳۹۰ نیز نتوانسته‌اند به حد جمعیتی خود در آخرین سرشماری قبل از جنگ (سرشماری سال ۱۳۵۵) برسند. نقطه مشترک تمامی این شاخص‌ها روند نزولی نخست شهری از سال ۳۵ تا ۱۳۵۵ و افزایش شدید آن در سال ۶۵ است که در دوره‌های ۷۵ تا ۱۳۹۰ نیز این وضعیت با تغییراتی اندک ادامه یافت. در ادامه، به بررسی شاخص‌های نخست شهری در استان خوزستان پرداخته می‌شود.



نمودار (۱) توزیع جمعیت در استان خوزستان در سال ۱۳۹۰

مهم‌ترین رویداد در امر شهرنشینی در استان خوزستان خارج شدن دو شهر آبادان و خرمشهر از شبکه شهری در سال ۱۳۶۵ بر اثر جنگ هشت ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) است. این امر وضعیت شهرنشینی را در کل استان تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و تأثیرات بسیاری را بر دیگر شهرها و سلسله‌مراتب شهری استان بر جای می‌گذارد. مسئله جالب توجه دیگر اینکه در اهواز، مرکز استان، با وجود جنگ، رشد جمعیت شهرنشین با شدت بیشتری نسبت به گذشته همچنان ادامه دارد. در واقع، وقوع این جنگ و تخریب شهرهای خرمشهر، آبادان، اروندکنار و بستان، انهدام صنایعی چون پالایشگاه نفت و تأسیسات مشابه و ازکارافتادن صنایع و مراکز بزرگ اشتغال و تأسیسات بندری خرمشهر نیز باعث شد تا جمعیت این مناطق به شهر اهواز و سایر مناطق کشور مهاجرت اجباری کنند (کریمی، ۱۳۸۷: ۵۲). در این دوره، روستاهای حومه‌ای و نزدیک به شهر اهواز مانند عین دو، ام اتمیر، شلنگ آباد، کوت عبدالله، کوت سید صالح نیز در جذب مهاجران نقش بسزایی داشتند (ربانی، ۱۳۸۵: ۹۱). به گونه‌ای که اهواز در این دوره با میزان رشد سالانه ۵.۶ درصد و رشد جمعیتی ۷۳ درصدی نسبت به سال ۵۵، بیشترین رشد را در طول همه دوره‌های سرشماری تجربه کرده و جمعیت شهری آن از ۳۳۴۳۹۹ نفر در سال ۵۵ به ۵۷۹۸۲۶ نفر در سال ۶۵ رسید،



درحالی که دومین شهر استان یعنی دزفول فقط ۱۵۱۴۲۰ نفر جمعیت داشت. به نظرمی رسد این امر چند دلیل عمده داشته باشد: نخست اینکه شهر اهواز تقریباً در مرکز جغرافیایی استان قرار دارد و نسبت به دو شهر آبادان و خرمشهر موضع نظامی بهتر و امن تری داشت، همچنین، این شهر به عنوان مرکز اصلی پشتیبانی از جبهه‌های جنگ مورد توجه قرار گرفت و به نوعی رونق یافت.

این امر باعث به وجود آمدن شکافی بزرگ در سطح بالای شبکه شهری استان شد که در پی آن شهر اهواز به تنهایی و بدون رقیب جدی جایگاه خود را به عنوان نخستین شهر استان حفظ و تثبیت کرد، به گونه‌ای که این شهر نزدیک به چهار برابر شهر دوم استان یعنی دزفول جمعیت داشت. اختلاف جمعیتی این دو شهر نزدیک به ۴۲۸ هزار نفر بود. همچنین، شهر اول ۵.۵ برابر شهر سوم و ۷.۴ برابر شهر چهارم بود.

در سال ۱۳۹۰، تعداد شهرهای استان به ۶۱ عدد افزایش یافت. از مجموع این شهرها ۳۰ شهر دارای جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر و نشان دهنده افزایش شدید شهرهای بسیار کوچک در استان است. اهواز به تنهایی ۳۳.۸ درصد از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده است. شهر اهواز با جمعیت ۱۰۶۴۱۷۷ نفری خود به نخستین شهر میلیونی استان تبدیل شد و به نظرمی رسد با توجه به اختلاف جمعیتی شدید این شهر با شهر دوم، تا مدت‌ها شهر دیگری نتواند جمعیت خود را به یک میلیون نفر برساند و اهواز به تنهایی این عنوان را یدک بکشد. فاصله این شهر به شهر دوم استان یعنی دزفول نسبت به دوره قبل باز هم افزایش یافت؛ و اهواز خود را با شیب تندی از دزفول جدا کرد. فاصله شهر اول و دوم در این دوره نسبت به سرشماری‌های قبل بیشتر شد. نسبت این دو شهر با توجه به قاعده رتبه - اندازه بسیار نامتعادل، اما رابطه جمعیتی شهرهای بعدی به حالت تعادل نزدیک‌تر است.

### وضعیت نخست شهری بر اساس روش‌های آماری

#### ≠ مدل حد اختلاف طبقه‌ای

این مدل یکی از مدل‌های آماری است که معمولاً جهت مطالعه داده‌های که باید بصورت طبقه‌بندی باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای استفاده از این مدل داشتن کمترین و بیشترین تعداد جمعیت قابل اجرا می‌باشد، که مراحل آن بصورت زیر می‌باشد (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

- تعیین تعداد طبقات با استفاده از فرمول استورجس:

$$K=1+3.3\text{Log}N$$

- تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای:

$$H \equiv \frac{R}{K}$$

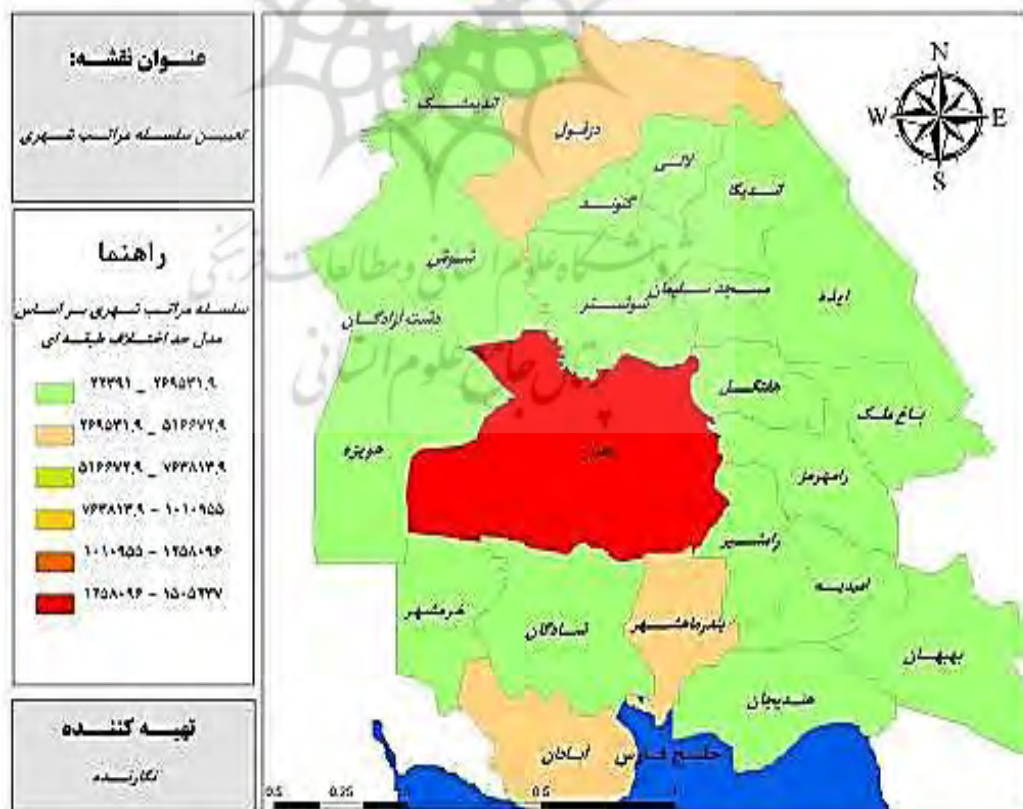
در نهایت تهیه ماتریسی با سطرهای گروه جمعیتی، تعداد شهرهای هر گروه و درصد آنها و در نهایت تقسیم‌بندی شهرها (با اندکی تلخیص و حفظ مضمون، حکمت نیا و میرنجف، ۱۳۸۵، ۱۸۷).

جدول (۱) طبقه‌بندی شهری استان خوزستان بر اساس مدل حد اختلاف طبقه‌ای ۸۵-۱۳۹۰

ردیف	طبقات جمعیتی	تعداد شهرستان	درصد تعداد
۱	۲۲۳۹۱ - ۲۶۹۵۳۱.۹	۲۰	۸۳.۳
۲	۵۱۶۶۷۲.۹ - ۲۶۹۵۳۱.۹	۳	۱۲.۵
۳	۷۶۳۸۱۳.۹ - ۵۱۶۶۷۲.۹	۰	۰
۴	۱۰۱۰۹۵۵ - ۷۶۳۸۱۳.۹	۰	۰
۵	۱۲۵۸۰۹۶ - ۱۰۱۰۹۵۵	۰	۰
۶	۱۵۰۵۲۳۷ - ۱۲۵۸۰۹۶	۱	۴.۱۷

مآخذ: محاسبات نگارندگان.

با توجه به نتیجه حاصل شده در ماتریس فوق گروه بندی شهرهای استان به لحاظ جمعیتی منظم نبوده و در فواصل بین طبقه اول و طبقه آخر ماتریس تفاوت زیادی وجود دارد. به طوری که ۲۰ شهرستان از ۲۴ شهرستان استان در گروه اول قرار گرفته‌اند. و تنها شهرستان اهواز در گروه آخر جمعیتی قرار دارد و از لحاظ میزان جمعیت بیش از ۴۷ درصد جمعیت شهرها در طبقه اول، ۲۱.۵ درصد جمعیت در طبقه دوم و ۳۰.۷ درصد جمعیت شهرستانهای استان در طبقه آخر که تنها ۱ شهرستان می‌باشد را شامل می‌شود. و سه طبقه ۳، ۴ و ۵ فاقد جمعیت می‌باشد. لذا در این استان بر اساس مدل اختلاف طبقه‌ای توزیع جمعیت و تعداد شهرها ناموزون می‌باشد.



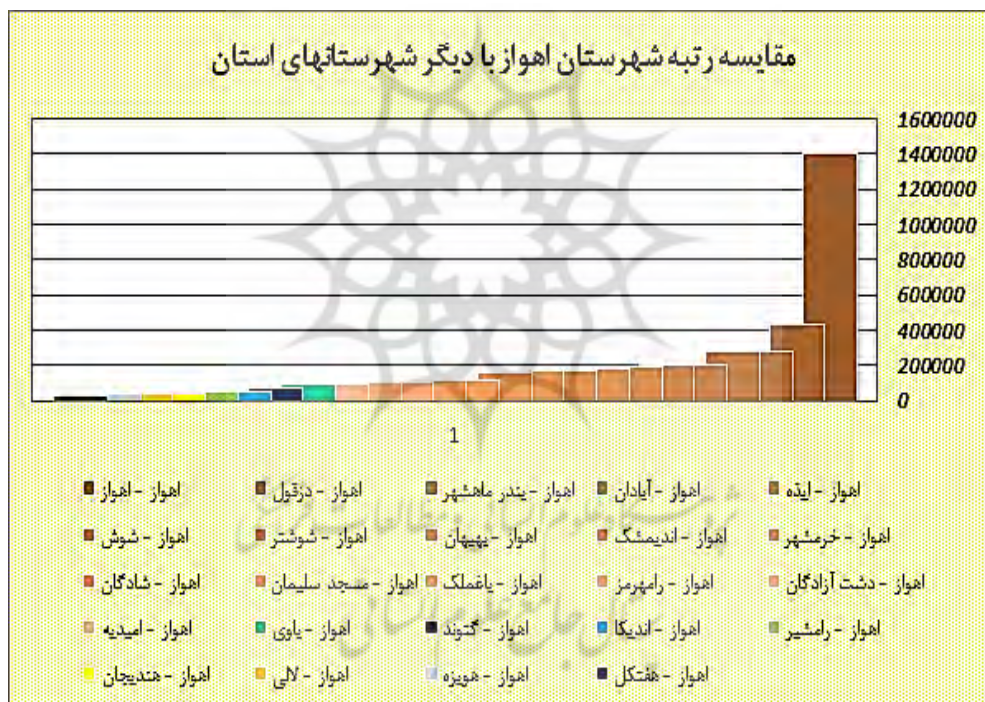
شکل (۲) سلسله مراتب شهری در استان خوزستان بر اساس مدل اختلاف طبقه‌ای

## ≠ مدل دو شهر

یکی از روش‌های رایج و مرسوم جهت تعیین نخست شهر که معمولاً توسط برنامه‌ریزان شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد شاخص دو شهر می باشد. که این شاخص مرتبط با قانون زیپف (رتبه - اندازه) و شاخص نسبی است، و در خصوص رتبه - اندازه نرمال معمولاً در کشورهای صورت می‌گیرد که دارای اقتصاد توسعه یافته و همچنین دارای شهر های بزرگ فراوان و با جمعیت زیاد باشد (berry, 1971: 66). که شاخص دو شهر با محاسبه نسبت جمعیت شهر نخست به دومین شهر بدست می‌آید

$$TCI = \frac{P_1}{P_2}$$

که در این شاخص مقدار عددی اگر به ۲ ختم گردد دارای تعادل و نخست شهری حاکمیت ندارد ولی اگر از ۲ بیشتر گردد شاخص نخست شهری تسلط دارد.



نمودار (۲) سلسله مراتب شهری استان خوزستان بر اساس مدل دو شهر

بر اساس این مدل نظام شهری استان خوزستان در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ تا حدودی متناسب‌تر شده است ولی باز هم گسیختگی در نظام شهری این دوره مشاهده میشود. در این دوره اختلاف شهر اول (اهواز) با شهر دوم (آبدان)، ۳.۹ و با شهر سوم (دزفول)، ۴ و با آخرین شهر (اروندکنار)، ۱۲۶ برابر است.

با بررسی و مطالعات صورت گرفته در سال ۱۳۹۰ در استان خوزستان میزان نخست شهری برابر ۳.۲۹ و در پی آن بیشترین شاخص دو شهر مربوط به شهرستان هفتکل با میزان ۶۲ درصد بوده است. همچنین لازم به ذکر است

هرچه از شاخص دوشهر از شهرستان دزفول به عنوان دومین شهر به سمت شهرستان هفتگل می آیم میزان این شاخص افزایش پیدا می کند که نشان از عدم تعادل در استان می باشد.

### ≠ مدل چهار شهر مهتا

مهتا (۱۹۶۴) با اصلاح فرمول چهار شهر، بهترین روش برای تشخیص نخست شهری را نسبت اندازه شهر نخست به چهار شهر اول نظام شهری به صورت

$$\text{چهار شهر مهتا} = \frac{P_1}{P_1 + P_2 + P_3 + P_4}$$

پیشنهاد کرد. بعدها ریچاردسون شاخص چهار شهر را با معیارهای قاعده رتبه - اندازه تطبیق داد. و سلسله مراتب شهر بدین صورت می باشد که شهر اول دو برابر شهر دوم، سه برابر شهر سوم و چهار برابر شهر چهارم باشد، بنابراین نسبت شهر اول به مجموعه چهار شهر نخست نظام شهری باید برابر ۰.۴۸ باشد (عظیمی، ۱۳۸۱: ۶۶). و به عبارتی به صورت معادله زیر می باشد.

$$\frac{1}{1 + 0.5 + 0.33 + 0.25} = 0.48$$

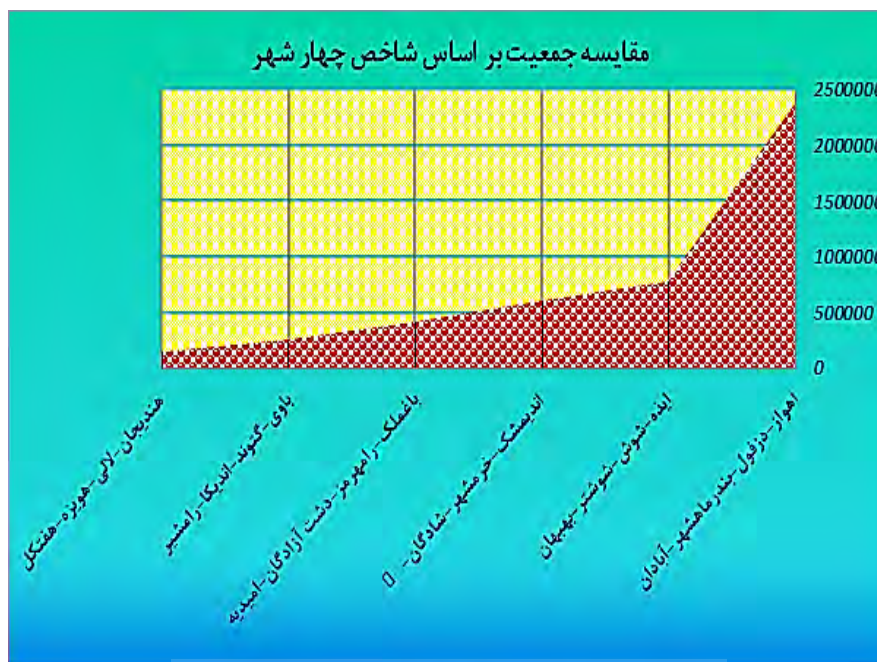
مهتا برای تشخیص نخست شهری پیشنهاد کرد، که جمعیت نخست شهر به چهار شهر اول نظام شهری تقسیم گردید. بدین صورت که در این شاخص مقدار عددی ۰.۶۵ تا ۱ بیشترین نخست شهری (فوق برتری)، مقدار عددی ۰.۵۴ تا ۰.۶۵ نخست شهری بیشتر (برتر)، مقدار عددی ۰.۴۱ تا ۰.۵۴ نخست شهری مطلوب و در نهایت مقدار عددی کمتر از ۰.۴۱ کمترین میزان نخست شهری را نشان می دهد.

جدول (۲) درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر

شاخص چهار شهر	نوع برتری شهری
۱ - ۰.۶۵	فوق برتری
۰.۶۵ - ۰.۵۴	برتری
۰.۵۴ - ۰.۴۱	برتری مطلوب
کمتر از ۰.۴۱	حداقل برتری

مأخذ: عظیمی، ۱۳۸۱: ۶۷.





نمودار (۳) مقایسه جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس مدل چهار شهر مهتا ۸۵-۱۳۹۰

بر اساس نتایج: در سال ۱۳۶۵ بیشترین تمرکز شهری نسبت به دوره‌های ۷۵ تا ۸۵ در اهواز وجود داشته است که مهم‌ترین علت آن وقوع جنگ تحمیلی و مهاجرت مردم از شهرهای غربی استان به شهر اهواز است. در سال‌های ۶۵ تا ۷۵ تمرکز شهری در اهواز کاهش یافته و به ۶۰ درصد رسیده است که نشان دهنده کاهش برتری تمرکز شهری است. با توجه به این فرمول نخست شهری از سال ۶۵ تا ۷۵ اگرچه به سمت کاهش میل کرده است اما همچنان شهر نخست از یک نظم برتری تبعیت کرده است.

در استان خوزستان نخست شهری در سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۹۰ برابر ۰.۵۸۹ درصد می‌باشد. در نتیجه در هر دو دوره شاخص نخست شهری در مرحله برتری قرار داشته است و بیانگر برتری شهرستان اهواز نسبت به مجموع سه شهر اول استان یعنی شهرستان‌های دزفول، بندرماهشهر و آبادان می‌باشد.

### ≠ ضریب آنتروپی<sup>۱</sup>

شاخص بی‌نظمی که برگرفته از نظریه اطلاعات<sup>۲</sup> و مبین میزان عدم ثبات و یکنواختی حاکم در سیستم است از جمله شاخص‌هایی است که در سنجش تمرکز پدیده‌ها کاربرد دارد. دامنه تغییرات این شاخص از صفر (حداکثر تمرکز) تا ۱ (حداکثر جدایی) در تغییر است. از این شاخص برای تعیین درجه تمرکز یا تفرق توزیع پدیده‌های جغرافیایی در خرده نواحی استفاده می‌شود. اولین گام محاسبه نسبت جمعیت در هر یک از نواحی به گونه‌ای که مجموع نسبت‌ها مساوی عدد ۱ باشد، است (تولایی، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

<sup>۱</sup> Entropy Index

<sup>۲</sup> information theory

جدول (۳) مقایسه ضریب آنتروپی طبقات شهری استان خوزستان در سال ۵۵-۱۳۶۵

$P_i$ * $LNP_i$	$LNP_i$	$P_i$	تعداد شهرستان	طبقات جمعیتی	ردیف
-۰.۰۲۶	-۰.۲۴۳	۰.۱۱	۱۱	۲۱۵۴۹۷ - ۶۳۷۷	۱
-۰.۰۰۲	-۰.۰۲	۰.۰۱	۱	۴۳۰۹۸۸ - ۲۱۵۴۹۷	۲
	۰	۰.۰	۰	۶۴۶۴۷۹ - ۴۳۰۹۸۸	۳
-۰.۰۰۲	-۰.۰۲	۰.۱	۱	۸۶۱۹۷۰ - ۶۴۶۴۷۹	۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۴) مقایسه ضریب آنتروپی طبقات شهری استان خوزستان در سال ۸۵-۱۳۷۵

$P_i$ * $LNP_i$	$LNP_i$	$P_i$	تعداد شهرستان	طبقات جمعیتی	ردیف
-۰.۳۲۲	-۱.۶۱	۰.۲۰	۲۰	۲۶۹۵۳۱.۹ - ۲۲۳۹۱	۱
-۰.۱۰۵	-۳.۵۱	۰.۰۳	۳	۵۱۶۶۷۲.۹ - ۲۶۹۵۳۱.۹	۲
	۰	۰.۰	۰	۷۶۳۸۱۳.۹ - ۵۱۶۶۷۲.۹	۳
	۰	۰.۰	۰	۱۰۱۰۹۵۵ - ۷۶۳۸۱۳.۹	۴
	۰	۰.۰	۰	۱۲۵۸۰۹۶ - ۱۰۱۰۹۵۵	۵
	۰	۰.۰	۱	۱۵۰۵۲۳۷ - ۱۲۵۸۰۹۶	۶

مأخذ: مطالعات نگارندگان.

با توجه به محاسبات صورت گرفته ضریب آنتروپی استان خوزستان در سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نشان می دهد که تعادل فضایی شهرها در طبقات شهری دارای نوسان بوده به عبارتی حرکت نسبی سلسله مراتب شهری به سوی عدم تعادل و تمرکز بیشتر می باشد.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

واژه توسعه در اذهان محققان و اقتصاددانان توسعه، تعبیر مختلفی داشته است که از جمله می توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی و غیره اشاره کرد. توسعه اساساً تبدیل یک تمدن به تمدن دیگر یا به عبارتی، تحول اندیشه جامعه قدیم به اندیشه جامعه جدید است. از همین روست که توسعه را متضمن یک مرگ و یک تولد می دانند مرگ یک اندیشه و نظام متناسب با آن نظام کهن و تولد یک اندیشه و نظام متناسب با آن نظام جدید است.

بنابراین سطح بندی مناطق و تعیین مراکز عملکردی در سطح ملی، روشی برای سلسله مراتبی کردن ارائه خدمات و مشخص کردن مراکز در سطح ملی می باشد. که توان ارائه خدمات بهینه به مناطق همجوار را داشته باشند و نیز بتوانند به نحو مطلوبی به خدمات دسترسی داشته باشند.

مسئله توزیع جمعیت شهری در حد مطلوب در یک نظام سلسله مراتبی، مهمتر و منطقی تر از حد مطلوب و اندازه بهینه شهر است. در نتیجه سلسله مراتب شهری در نظام برنامه ریزی شهری، بهترین شکل ساماندهی فضا است زیرا

باعث توزیع فعالیت‌ها و خدمات در سطح جامعه، طبقه‌بندی متعادل عملکردها و پیدایش روش‌های مختلف زندگی در محیط‌های گوناگون جغرافیایی می‌گردد. که پژوهش حاضر با ماهیت توسعه‌ای - کاربردی و بهره‌گیری از روش‌های آماری از جمله مدل حد اختلاف طبقه‌ای، مدل آنتروپی، چهار شهر مهتا و غیره به بررسی کمی و کیفی سلسله مراتب شهری در استان خوزستان پرداخت که نتایج تحقیق نشان داده است:

با بررسی وضعیت نخست شهری در استان خوزستان، دو دوره کاملاً مجزا از یکدیگر قابل تشخیص است: دوره اول شامل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ و دوره دوم شامل سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. این دو دوره ویژگی‌های کاملاً مخصوص به خود دارند که خود را از یکدیگر جدا می‌کنند.

در دوره اول که ۲۰ سال طول می‌کشد، تعداد شهرها از ۱۵ به ۲۳ شهر افزایش یافت که تغییرات اندکی را شامل می‌شود. در طی این ۲۰ سال، ساختار اصلی شبکه شهری را چند شهر بزرگ تشکیل می‌دهد. این شهرها جمعیت-پذیری بسیار بالایی دارند و علاوه بر اینکه در استان از شهرهای عمده محسوب می‌شوند، در بین شهرهای کشور نیز جزو بزرگ‌ترین شهرها هستند. فاصله جمعیتی این چند شهر (که در سال ۵۵ شامل شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر و دزفول می‌شوند)، از یکدیگر کم است. این فاصله به خصوص در مورد شهرهای اول و دوم استان به خوبی مشهود است.

در دوره دوم که شامل سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ می‌شود، تعداد شهرها رشد چشمگیری می‌کنند و از ۲۸ به ۶۱ شهر افزایش می‌یابند. نقطه عطف این دوره ۳۵ ساله که باعث تحولات شدیدی در استان خوزستان می‌شود، آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ است، به طوری که می‌توان گفت مهم‌ترین رویداد در امر شهرنشینی در استان خوزستان، وقوع جنگ و تأثیرات عمیق آن بر نظام شهری استان است. بر اثر این جنگ، دو شهر بزرگ استان، آبادان و خرمشهر، و دو شهر کوچک دیگر، اروندکنار و بستان، از جمعیت خالی شدند. مجموع جمعیت این چهار شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵، ۴۵۵۷۰۶ نفر بوده است. همچنین، بسیاری از سکنه روستاهای مرزی استان نیز مجبور به ترک سکونت‌گاه‌های خود شدند. بخش بزرگی از این جمعیت شهری و روستایی عظیم که مجبور به مهاجرت از شهرهای خود شدند، به شهرهای دیگر استان وارد شدند. همین مسئله باعث شد با وجود اینکه بیشترین حملات نظامی عراق متوجه استان خوزستان بوده، این جنگ همان‌طور که بعضی از شهرها موجبات تخلیه جمعیتی را فراهم می‌آورد.

جدول (۵) شاخص‌های مختلف نخست شهری در طی دوره ۳۵-۱۳۹۰

مقطع زمانی							نخست شهری
۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	
۰/۵۳	۰/۷۶	۱/۱۵	۳/۸۳	۳/۹۱	۱۸/۴	۳/۲۹	شاخص کلی
۰/۳۷	۰/۴۶	۰/۶۱	۱/۷۳	۱/۵۳	۱/۷۰	۱/۹۹	سه شهر
۰/۳۳	۱/۴۳	۱/۵۳	۱/۴۳	۱/۲۷	۱/۴۰	۱/۴۳	چهارشهر
۰/۱۹	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۴۰	۰/۳۴	۰/۳۷	۰/۳۵	شهر اهواز
۰/۸۱	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۶۳	۰/۶۵	استان خوزستان

بر اساس محاسبات آماری صورت گرفته بر اساس مدل حد اختلاف طبقه‌ای گروه بندی شهرهای استان به لحاظ جمعیتی منظم نبوده و در فواصل بین طبقات ماتریس تفاوت زیادی وجود دارد. به طوری که ۲۰ شهرستان از ۲۴ شهرستان استان در یک گروه قرار گرفته اند. و تنها شهرستان اهواز در گروه دیگر جمعیتی قرار دارد در نتیجه توزیع شبکه شهری در این استان ناموزون و نامتعادل می‌باشد. همچنین در سال ۱۳۹۰ در استان خوزستان میزان نخست شهری برابر ۳.۲۹ و در پی آن بیشترین شاخص دو شهر مربوط به شهرستان هفتکل با میزان ۶۲ درصد بوده است. که تائیده کننده عدم تعادل در استان می‌باشد. در این خصوص پیشنهادهاتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- جلوگیری از گسترش افقی شهرها و اجرای طرح تجمع تیپ روستاهای اطراف شهرها.
- بهبود جایگاه شهرهای کوچک استان از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش فعالیت‌های تولیدی به منظور کنترل حرکات مهاجرتی و حفظ سطح معینی از سکونت در سراسر شهرهای منطقه.
- کاهش بار جمعیتی نخست شهر ناحیه (اهواز) از طریق اجرای سیاست‌های مؤثر همچون ایجاد فرصت‌های شغلی و سیاست عدم تمرکز تا بتوان تا حدودی از بار جمعیتی و فشارهای ناشی از آن بکاهد.
- شهرهای در طبقه اول جمعیتی مهم ترین کانون‌های رشد منطقه‌ای به منظور متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای حائز اهمیت می‌باشند تا از این طریق کانون‌های رشد منطقه‌ای تقویت و توزیع فضایی جمعیت و فرصت‌های اشتغال به سمت تعادل هدایت شوند. ایجاد فرصت‌های برابر و خدمات رسانی به همه شهرهای استان در حد رفع نیازهای شهروندان هر شهر.
- توجه به توزیع متعادل و مکان‌گزینی شهرها با توجه به توانمندی‌های محیطی و توسعه اقتصادی جلوگیری از دخالت تقسیمات سیاسی در مکان‌گزینی شهرها.
- توسعه شبکه‌ای از شهرهای کوچک استان به منظور تأمین پوشش خدمات رسانی روستاها.
- توجه به اقتصاد سنتی ناحیه و تقویت اقتصاد کشاورزی با سیاست‌های حمایتی، به منظور توسعه صنایع تبدیلی بخش کشاورزی و کمک به افزایش صادرات غیر نفتی.
- توجه به بخش صنعت از طریق اختصاص بیشتر اعتبارات به این بخش و گسترش فعالیت‌های صنعتی با ایجاد شهرک‌های صنعتی جدید در استان و نیز توسعه و تقویت شهرک صنعتی.
- حمایتی، می‌بایست منابع مالی و امکانات به گون‌های در سطح شهرهای منطقه توزیع شود تا ضمن تأکید بر کشاورزی نوین از لحاظ نقش و کار شهری از عملکرد چند نقشی برخوردار باشند.
- تأکید و توجه به سطح دوم نظام شهری متشکل از (زوج‌های شهری خرمشهر آبادان و دزفول - اندیمشک به همراه بهبهان) به گونه‌ای که به عنوان مراکز تعادل بخش ناحیه‌ای در سطح استان توان رقابت با شهر اول (اهواز) را داشته باشد.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت ایجاد نظامی توسعه یافته، متشکل از شهرهای کوچک و میانی که بتوانند در چارچوب راهبردهای ملی شهرنشینی، یکپارچگی و انسجام فضایی سرزمین را حفظ کند.



## منابع:

۱. امکچی، حمیده (۱۳۸۳)، شهرهای میانی و نقش آنها در چهارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۲. آنامراندزاد؛ رحیم (۱۳۹۳)، بررسی سلسله مراتب شهر استان کردستان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره دوم.
۳. تقوایی، مسعود (۱۳۷۹)، تحلیلی بر تغییرات نظام شبکه شهری و روش‌های متعادل سازی آن به منظور برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای در ایران، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۴. تقوایی، مسعود و موسوی، میرنجف (۱۳۸۸)، نقدی بر شاخص‌های تعیین نخست شهری و ارائه شاخصی جدید، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
۵. تولایی، سیمین (۱۳۷۵)، درآمدی بر مبانی جغرافیای اقتصادی (صنعت، حمل و نقل، انرژی)، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، چاپ اول.
۶. حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول.
۷. خادم الحسینی، احمد و عباسی، محمد رضا (۱۳۹۱)، بررسی سلسله مراتب شهری با مدل‌های کمی نمونه موردی اذربایجان غربی، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره اول.
۸. ربانی، رسول (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه نشینی و پیامدهای آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، ص ۴، شماره ۷.
۹. رخشانی نسب، حمیدرضا و بیک محمدی، حسن (۱۳۸۶)، عدم تعادل و نابرابری در نظام سلسله مراتب شهری استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۹.
۱۰. رضایی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل جغرافیایی نظام شبکه شهری استان فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۱۱. رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، جهانی شدن، تمدن و شهرنشینی، مجله پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان (۱۳۸۰)، معاونت آمار و انفورماتیک، استان خوزستان.
۱۳. سرور، رحیم (۱۳۷۲)، توزیع فضایی چگونگی استقرار و نظام سلسله مراتب شهری در سواحل جنوب ایران، فصلنامه سپهر، شماره ۲۰.
۱۴. شکویی، حسین (۱۳۹۱)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم.
۱۵. ضرابی، اصغر، پریزادی، طاهر، (۱۳۹۰)، سطح‌بندی سکونتگاه‌ها و تعیین مراکز عملکردی محلی (مطالعه موردی: دهستان صاحب بخش زیویه شهرستان سقز)، جغرافیا، ش ۲۸.
۱۶. عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، انتشارات نیکا، تهران.
۱۷. کریمی، فاطمه (۱۳۸۷)، جغرافیای جمعیت، دبیرخانه کشوری راهبری جغرافیا، تهران.

۱۸. لطفی، صدیقه و باباخزاده، ادریس (۱۳۹۱)، بررسی سلسله مراتب شهری در استان کرمانشاه طی سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۸۵، مجله برنامه ریزی فضایی، سال دوم، شماره سوم.
۱۹. مداری، حمید (۱۳۸۸)، جغرافیای استان خوزستان، انتشارات آموزش و پرورش، چاپ دهم.
۲۰. مستوفی الممالکی، رضا (۱۳۸۰)، شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران، انتشارات دانشگاه آزاد، یزد.
۲۱. منزوی، مهشید؛ سلیمانی، محمد؛ تولایی، سیمین و چاوشی، اسماعیل (۱۳۹۳)، آسیب پذیری بافت های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران مورد منطقه ۱۲، مجله پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۵.
۲۲. نصیری، اسماعیل (۱۳۸۷)، نظام شهری کلان شهرها در عصر جهانی شدن، مجله مطالعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۲، شماره ۲۴۸.
۲۳. نصیر زاده، حمید (۱۳۹۱)، بررسی وضعیت توسعه یافتگی، کاوش نامه علوم انسانی، شماره ۱۲.
۲۴. نظریان، اصغر (۱۳۷۳)، نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
۲۵. نظریان، اصغر (۱۳۸۵)، جغرافیای شهری ایران، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
26. Ascione, Marco; Luigi, Campaneua; Francesco, Cherubini; Sergio, Ulgiati; (2009), Environmental Driving Forces of Urban Growth and Development an Emeryy-based Assessment of the City of Rome, Italy, Landscape and Urban Planning.
27. Berry, B. (1971), geographic perspectives on urban system, Englewood cliffs. Nj: prentice-hall.
28. Bhandari, R.K. (2010), An Overview on Natural & Manmade Disasters and Their Reduction; World Congress on Sustainable Development (Seminar), Calcutta.
29. Birkmann, J. (2012), Raumforschung und Raumordnung (No:1/2008): Global Environmental Change, Natural Hazards, Vulnerability and Disaster Resilience (Globaler Umweltwandel, Naturgefahren, Vulnerabilität und Katastrophenresilienz), Cologne.
30. Mathur, Pokan (1997), regional development planning and management in asia:a retrospective and perspective review, in regional development planning and management of urbanization: experiences from developing countries, Nairobi, Kenya.
31. Munich Re Group (2014), Megacities-Megarisks: Trends and Challenges for Insurance and Risk Management, Munich.
32. Pumain, Despek (2003), scaling laws and urban systems, working paper prepared for the European research programme.
33. Sawers, Lanin (1998), urban primacy in Tanzania, economic development and cultural change, London and New York.
34. Smith, David Drakakis (2000), Third World Cities, Routledge, London, New York.
35. UN-habitat (2003), Global Report on Human Settlement, Oxford University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی